اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۳۱)

بهشت و جهنم (۱)

لایه هشتم (بخش ۱)

قوم عاد

هر کسی بهشت گم شده ای دارد که در طول زمان بیاد می آورد. معمولا افراد سعی میکنند بهشتی که در خیالشان دارند را بسازند. غافل از آنکه، بهشت واقعی در این دنیای فانی آنی است که زمین را همانطوری که خدا آفریده است، نگه دارید. بهشت روی زمین فقط وقتی میسر است که زمین

را زمین خدا بدانیم و لایه های هفتگانه زمین که خدا آفریده است، پوشانده نشود.

بسیاری از مفاهیم طبیعت و خلقت، هفت مرحله ای هستند. اگر در طبیعت بیشتر توجه کنیم؛ هفت تایی های زیادی را می بینیم. به عبارت دیگر، بسیاری از اجزای اساسی طبیعتی که ما می بینیم به یک شکل با عدد هفت مرتبط هستند و همچنین در قرآن عدد هفت، به گونه عجیبی با آفرینش و ساختار لایه بندی آن گره خورده است.

بطور نمونه:

- **جو زمین هفت لایه دارد.**
- **طبق فرموده قرآن و تمام کتابهای آسمانی دیگر، خدای رحمان، هفت آسمان خلق کرده است.**
- **طبق فرموده قرآن، هفت راه در آسمان هست (سبع طرائق)**
- **مثال قرآنی می گوید که یک دانه، هفت خوشه میدهد و هر خوشه صد دانه. این پاداش انفاق کنندگان است.**
- **پوسته زمین هفت لایه دارد.**
- **روزهای هفته، هفت روز است.**

- **تعداد قاره‌ها هفت هستند. (در زمان طوفان پیامبر نوح یکی از این قاره ها را آب فرا گرفت و هفت لایه به هم خورد)**
- **تعداد دریاهای اصلی هفت است.**
- **هفت رنگ اصلی رنگین کمان**

و دهها نمونه دیگر.

اما بعد از مدتی، انسانها سعی در اختراع لایه اضافه تری کردند تا که لایه هفتم را بپوشانند و یا به خیال خود آن را تعمیر کنند. ما این لایه اضافی را لایه هشتم می نامیم. برای فهم این که لایه هشتم چیست، بیایید مفهوم عدد هشت را در قرآن بفهمیم. جهان هفت آسمان دارد، اما در قیامت، آسمان هشتمی خلق خواهد شد و یا پیش کشیده خواهد شد که این آسمان حاوی جهنم است. لایه هشتم دارای خصوصیاتی مصنوعی است که آدمها برای مقابله و یا رقابت با نظام رحمانی می سازند.

مثلا خیلی ها بدون هیچ دلیل پزشکی، همیشه از ضدآفتاب استفاده میکنند و این مثال خوبی است برای خلق لایه هشتم. انسانها خودشان لایه های هشتم اضافی میسازند و خود را به آن وابسته میکنند. قوانین و شرایط جهنم از روی

این لایه هشتم ساخته خواهد شد. به همین خاطر است که قرآن می فرماید که جهنمیان هیزم جهنم می شوند. هیزم جهنم شدن یعنی اینکه قواعد و قوانین آن را خود جهنمی ها نوشته اند. خود جهنم را خدا خلق کرده است، اما قوانین و شرایطش را انسانها تعیین میکنند. این همان لایه هشتمی است که جهنم کلا براساس این لایه سازمان دهی شده است و می شود.

فَإِن لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاس وَالْحِجَارَة أُعِدَّت لِلْكَافِرِين (بقره: ۲۴)

پس اگر چنین نکنید- که هرگز نخواهید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها [بتها] است، و برای کافران، آماده شده است!

انسانها و جمادات هیزم جهنم را تشکیل میدهند. یعنی جهنم تاحدی خودگردان هم هست. انسانها که در همین دنیا هم کارها را خراب میکنند و سنگها و حجاره هم که نشان از سنگدلی قوانین جهنم دارد.

اگر انسانها در زندگی خویش، معنویت بکار نگیرند، رو به اصلاح لایه جسمانی خود و محیط خود می برند. به این طریق اصلاحات در لایه معنوی را با اصلاحات در لایه جسمانی اشتباه می گیرند.

حتی در بعضی فرهنگها، عدد هشت نماد فراوانی است. مثلا در صورت برخورد با عدد هشت، میگویند که:

فراوانی بزودی در مسیر شما قرار خواهد گرفت و ثروتمند خواهید شد!

البته آنها نمی دانند که فراوانی همیشه خوب نیست، زیرا بعضی مواقع فراوانی باعث ازدیاد مصرف و اسراف خواهد شد. یکی از خصوصیات آخر الزمان، این است که مردم به سمت لایه هشتم گرایش می یابند. آنها خودشان لایه هشتم را می سازند. خدا هفت آسمان و هفت لایه آفریده است. ساخت لایه هشتم به معنای تخطی از این قانون است. پس خلق لایه هشتم نشانه مقاومت در مقابل هفت لایه نظام رحمانی است. هفت نشان‌دهنده آن چیزی است که خدا پسند کرده است و افزودن به آن، نوعی دخالت در نظم رحمانی تلقی می‌شود.

بعد از هفت روز هفته، دوباره روزها رِسِت میشوند و دوباره از یک شروع میشود. بچه ها از هفت سالگی به مدرسه می روند و یک دوره معنوی و آموزش دیگر را از نو شروع میکنند. خدای رحمان میخواهند پیوستگی روانی و زمانی را قطع کنند. وقتی بیمار می شویم، باید سعی کنیم که از همان نظام رحمانی و پایه های بدنی خود برای بهبود استفاده کنیم (همانطور که ایوب

انجام داد) . اما اگر در حالت غیر اضطرار و غیر ضروری از داروهای شیمیایی برای بهبود استفاده کنیم، به معنای استفاده از لایه هشتم است. لایه هشتم فقط در حالات اضطراری و بحرانی میتواند استفاده شود و نباید به سبک زندگی تبدیل شود. این نکته خیلی مهم است. خدای رحمان استفاده از لایه هشتمی اختراع انسان را ممنوع نکرده است و بلکه در شرایط اضطرار و ناچاری میتوان استفاده کرد.

البته سوء تفاهم نشود. اینجا منظور این نیست که عدد هشت، عدد بد یُمنی است. ما نمی خواهیم، اعداد را به بد یُمن و خوش یُمن تبدیل کنیم. هیچ عددی به خودی خود خوش یمن و یا بد یمن نیست و بلکه معانی و مفاهیم مربوطه باید بررسی شوند. بلکه منظور این است که لایه هشتم نباید در تقابل با لایه هفتم قرار گیرد. لایه هفتم همان طبیعت و نظم رحمانی است. عدد هشت عددی است مثل سایر اعداد، اما در مورد هفت لایه نظام رحمانی، لایه هشتم اضافی است و مضر. بنابراین خود عدد هشت مشکلی ندارد، بلکه لایه هشتم مشکل دارد.

چند مثال از لایه هشتم اختراعی انسان:

- بدون دلیل پزشکی و منطقی، همیشه از ضد آفتاب استفاده کردن

- **بدون هیچ دلیل پزشکی، عملیات جراحی زیبایی انجام دادن**
- **تماس نداشتن با سرما و گرما در فصلهای زمستان و تابستان**
- **استفاده از کولر و سایر وسائل مصنوعی بطور همیشگی و مستمر**
- **و ...**

توجه شود که در حالت اضطرار میتوان از لایه اختراعی انسان استفاده کرد ولی در حالتهای غیر اضطرار نباید استفاده کرد که باعث ضعیف شدن جسم و روان انسان خواهد شد و بمرور انسان برده روشهای غلط میشود.

وقتی خدای رحمان از قوم هود صحبت می فرمایند، در نهایت در مورد عذاب آنان، به هفت شب و هشت روز اشاره می فرمایند.

وَ أَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيح صَرْصَرٍ عَاتِيَة (حاقه: ۶)

و امّا قوم «عاد» با تندبادى طغيانگر و سرد و پرصدا به هلاكت رسيدند،

سَخَّرَهَا عَلَيْهِم **سَبْع لَيَال** وَ **ثَمَانِيَة أَيَّام** حُسُوماً فَتَرَي الْقَوْم فِيهَا صَرْعَي كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْل خَاوِيَة (حاقه: ۷)

خدا این تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلّط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیدی که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاك شده‌اند!

شاید این تنها آیه ای باشد که در آن عدد هفت و هشت با هم آمده است. هفت و هشت کنار هم، ما را یاد عدد ۷۸ می اندازد. این عدد، نشانگر یک بهشت مصنوعی است که انسان به خیال خود، آن را روی زمین درست میکند؛ ولی بدون آن که خود بداند، در اصل مقدمات و ارکان جهنم را برای خود پیاده میکند. یک خواننده ای در یکی از کنسرتهایش میگفت که همه مردم از بهشت صحبت میکنند ولی کسی بهشت را نساخته است و در نهایت در همان کنسرت به شرکت کنندگان گفت که بیایید امروز با هم بهشت را بسازیم! اتفاقا یکی از آلبومهای این خواننده، اسمش ۷۸ است. عدد ۷۸ نشان از پوشاندن لایه هفتم با لایه هشتم است که یک بهشت مصنوعی است و البته در اصل شروع ساخت جهنم است. آنها عدد هفت را قدرت آسمانی میدانند و عدد هشت را قدرت زمینی میدانند.

هشت روز عذاب پشت سر هم برای قوم عاد، بخاطر نوع گناهی بود که آن قوم مرتکب شده بودند. هشت روز پی در پی عذاب برای قوم عاد، به این معناست که:

- **آن قوم به لایه هشتم گرایش پیدا کرده بودند.**
- **وقتی آیه از مستمر بودن عذاب صحبت می فرمایند، یعنی به سبک زندگی آنان تبدیل شده بود و در حالت اضطرار نبود.**
- **قوم عاد خودشان لایه هشتم را ایجاد کردند و این یعنی مقاومت در برابر نظام رحمانی، و عذاب هشت روزه پاسخی به این تخطیها بود. هشت روز سختی در مقابل اختراع لایه هشتم. این حاصل عملکرد خودشان بود.**
- **عذاب مستمر و پی در پی هشت روزه می‌تواند بازتابی از سبک زندگی گناه آلود قوم عاد باشد. گناهی که قوم عاد مرتکب شدند، لحظه‌ای نبود، بلکه ریشه دار و مداوم بود و به سبک زندگی آنها تبدیل شده بود. وقی لایه هشتم به سبک زندگی تبدیل شود، از آنجا به بعد، انسان با نظام رحمانی درگیر میشود.**

یکی از پادشاهان زمان پیامبر هود، نامش شداد بوده است. وقتی هود او را به سمت خدای رحمان دعوت میکند و از بهشت برین برایش صحبت میکند. شداد متکبرانه پاسخ میدهد که او هم میتواند بهشتی روی زمین درست کند. شداد به کمک طلا و نقره و کلیه امکانات دیگری که در اختیارش بوده است، شروع به ساخت شهری میکند که به خیال خودش شبیه بهشت باشد.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (فجر: ۶)

آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟!

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (فجر: ۷)

و با آن شهر «اِرَم» با عظمت،

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلاَدِ (فجر: ۸)

همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود!

شهر ارم با این سبک ساخته شده بود. پادشاه آن موقع یک شهر ساخته بود براساس لایه هشتم که در ظاهر آن را از جنات و باغهای زمین بهتر می دانست. امکانات و رفاه خوب است ولی نه موقعی که مزایا و امکانات نظام رحمانی کنار زده شود. اگر کاری کنید که سرما به شما نخورد و آفتاب به شما نخورد و باد به شما نخورد و خودتان را ایزوله کنید؛ در آن صورت لایه هشتمی روی لایه هفتم رحمانی ساخته اید و به این طریق مثل قوم عاد خواهید شد. اکنون در بعضی کشورها مثل عربستان که مقهور تکنولوژی هستند و جوگیر شده اند، شهرهایی در فضای بسیار کم دارند درست میکنند که همه امکانات در یکجا داشته باشد. آنها دارند همان کار قوم عاد را تکرار میکنند. تکنولوژی خوب است ولی نه به قیمت از دست رفتن توانایی های اولیه جسمی و روانی.

باغی که تیغ نداشته باشد و خاک نداشته باشد، یک باغ طبیعی نیست. خیلی از مردم ما هر جایی که دست یافته اند، خانه باغ و ویلا درست کرده اند. یا اینکه در هر تپه و مکانی، شعارهای خود را حک و نصب کرده اند. به فرموده قرآن، اینها همگی از خصوصیات قوم عاد بوده است.

أَتَبْنُون بِكُل رِيع آيَة تَعْبَثُون (شعراء: ۱۲۸)

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای بیهوده می‌سازید؟!

وَ تَتَّخِذُون مَصَانِع لَعَلَّكُم تَخْلُدُون (شعراء: ۱۲۹)

و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟!

مردم که بازنشسته میشوند، شروع میکنند به خانه باغ سازی برای خود. حال آنکه هیچکس نمی تواند بهتر از خدا، طبیعتی متعادل و متنوع درست کند. مردم بیشتر دنبال مالکیت هستند و در اصل میخواهند دارائی های خود را اضافه کنند. و گرنه زمین خدا، در دسترس همه هست. خانه باغهای بی رویه و قارچ مانند، تجاوز به حیات وحش و محیط زیست است. مصرف بی رویه منابع آب و زمین و برق و ایجاد روشنایی مصنوعی در حیات وحش و سیستمهای سرمایشی و گرمایشی و صدها تغییر منفی دیگر که همگی این خانه باغها مثل لکه مزاحمی هستند در طبیعت و فضای وحش. این خانه ها معمولا به عنوان خانه دوم مردم ساخته میشوند و از جهاتی، ساخت لایه ای

اضافی روی لایه هفتم طبیعت رحمانی است. بعضی جاها آنقدر خانه باغ ساخته شده است که عملا آن منطقه مسکونی شده است، بدون زیرساختهای شهری و هر کدام چاهی زده اند و به این طریق فضای سبز آن منطقه را نابود کرده اند. این همان تکرار عادات زشت قوم عاد است.

قوم عاد لایه هشتم برای خود درست کرده بودند. اما قوم ثمود به طبیعت تجاوز کرده بودند و تعادل آن را به هم زده بودند. عمل این دو قوم هر دو غلط بوده است. یکی از این وَر افراط کرده و دیگری از آن وَر افراط کرده است. خدای رحمان وقتی عاد و ثمود را در قرآن ذکر می فرمایند، همیشه با همدیگر ذکرشان می کند و داستان آنان را در کنار همدیگر ذکر می فرماید. خدای رحمان میخواهند به ما بفهمانند که از هر دوی این اقوام بدور باشید و مواظب باشید از یکی به دیگری گرایش پیدا نکنید. زیرا اگر از قوم عاد دوری کنید و طبیعت گرا شوید، باید طوری باشد که به طبیعت آسیب نرسانید و مثل قوم ثمود نشوید. همچنین اگر از قوم ثمود دوری کنید، باید طوری باشد که از طبیعت و محیط زیست دور نشوید و به لایه هشتم گرایش پیدا نکنید. نقطه تعادلی بین این دو هست که باید هر دوی این نقاط را در نظر گرفت.

خدای رحمان در آیات مختلف دوری از این اقوام و این روش و شیوه ها را فرموده است (بُعْدَاً لِعَادٍ= دور باد عاد   بُعْدَاً لِثَمُودَ = دور باد ثمود).

وَ أُتْبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَة وَ يَوْم الْقِيَامَة أَلاَ إِن عَادَاً كَفَرُوا رَبَّهُم أَلاَ بُعْدَاً لِعَادٍ قَوْم هُودٍ (هود: ۶۰)

آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) بدنبال دارند! بدانید «عاد» نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند! دور باد «عاد»- قوم هود- (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)!

كَأَن لَم يَغْنَوْا فِيهَا أَلاَ إِن ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُم أَلاَ بُعْدَاً لِثَمُودَ (هود: ۶۸)

آن چنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند! دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)!

دنیا دوران است. گاهی بادها مسخر انسان هستند و بارور کننده هستند و گاهی انسان مسخر بادها می‌شود. مهمترین عامل تکثیر و بارورسازی

طبیعت و محیط زیست، بادها هستند. اما گاهی بادها انسان را تسخیر می‌کنند و بر وفق میل آنها عمل نمی‌کنند. در این حالت باد را عقیم کننده می‌نامند. کسی که لایه هشتم برای خود بسازد، بعد از مدتی، دیگر باد برای او مضر است. گاهی آب در اختیار انسان است و گاهی آب بر او مسلط است، همانطور که در مورد قوم نوح پیش آمد. در مورد قوم عاد باد بر آنها مسخر شد و زندگی آنها را به هم ریخت.

وَ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (ذاریات: ۴۱)

و (همچنین) در سرگذشت «عاد» (آیتی است) در آن هنگام که تندبادی بی‌باران بر آنها فرستادیم، (۴۱)

لایه هشتم خیلی آسیب پذیر است. همان بادی که برای طبیعت رحمانی نعمت و بارور کننده است، لایه هشتم را به هم می‌ریزد و انسان‌های مبتنی بر لایه هشتم را عقیم می‌سازد و باروری آنها را می‌گیرد. به قول معروف لایه هشتم اختراعی انسان به یک باد بند است و روی خاکستر بنا شده است و با یک باد کارش تمام است.

زمانی بود که بچه دار شدن خیلی راحت بود و مردم بارور بودند. اما حالا با امکانات بیشتر، صاحب یک بچه شدن خیلی سخت شده است. زیرا نسل جدید به بهانه رفاه، به لایه هشتم گرایش پیدا کرده اند و یک باد ساده میتواند آنان را عقیم سازد. در اینجا منظور از باد، هر گونه تغییر ناگهانی در جریانات جهان است.

اثر پروانه‌ای یعنی اینکه تغییرات کوچک در لایه هشتم جمع می‌شوند و در نهایت به یک باد و موج بزرگ تبدیل می‌شوند.

وَ أَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (حاقه: ۶)

و امّا قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند،

هر کسی خانه باغی درست می‌کند. بعد از مدتی می‌بینید که حیات وحش نابود شده است و همه جا مسکونی شده است. بعد از آن، خدای رحمان آبی که برای حیات وحش نازل می‌کرد را از آنان می‌گیرد. بادی که تکثیر کننده و بارور کننده بود را از آنان محروم می‌کند و آنها را عقیم می‌سازد و

دریاچه‌هایشان را خشک می‌نماید و دهها تغییر منفی دیگر. مردم طبیعی بودن را با خانه باغ سازی اشتباه گرفته اند.

باد عقیم یعنی جریانی که دریاچه‌ها را خشک می‌سازد. مثلا اگر در یک جامعه همه رشوه بگیرند و همه با پارتی بازی، کارهایشان را انجام دهند، یعنی آن جامعه، جامعه‌ای عقیم و مرده است. یک تغییر کوچک در کل سیستم تاثیر می‌گذارد. یا وقتی مدتی در وعده‌های غذایی پرخوری کنید، بعد از مدتی دچار چربی اضافی خواهید شد و بیمار می‌شوید؛ آن وقت بیماریهای عادی و ساده هم شما را از پا در خواهد آورد. بیماری عادی همان باد ساده است.

حیات وحش بر اساس یک روش تربیت معنوی بنا شده است. وقتی نصف طبیعت و نصف آب‌ها را به حال خود رها کنید، تا در طبیعت جریان داشته باشد؛ آن جامعه حالت معنوی به خود می‌گیرد و تربیتی معنوی بر جامعه حکمفرما می‌شود.

اماکسی که بر لایه هشتم مبتنی باشد، بادها و موج‌های نظام طبیعی و رحمانی به او آسیب می‌رسانند. وقتی قوم عاد ابر سیاه را دیدند فکر کردند که ابر باران زا است. اما طبیعت هوشمند است؛ طبق هوش معنوی خودش کار می‌کند. هر کسی در تقابل طبیعت و نظام رحمانی قرار بگیرد، در مقابل او ضربه پذیر است و آسیب می‌بیند.

انسان‌ها خودشان را به لایه هشتم عادت داده اند و وابسته آن شده‌اند. با این وضعیت که در آن قرار گرفته ایم؛ بعضی مواقع ناچارا باید از لایه هشتم استفاده کرد. پس سعی کنیم که لایه هشتم را فقط در حالت اضطرار و در حالت نیاز ضروری استفاده کنیم.

تولید پلاستیک اضافی و زیاد در ظاهر پیشرفت است ولی در اصل یک نوع تجارت لایه هشتم است که طبیعت آن را نمی‌پذیرد و ضد آن عمل می‌کند. خیلی از وسائل آرایش که در جامعه ما استفاده میشوند، اضافی و مضر هستند و به بدن و روان آدمیان ضربه میزنند. این وسائل فقط در حالات اضطرار و ناچاری باید استفاده شوند. به همین خاطر تجارت مربوط به لایه هشتم، بسیار گسترده شده است و به لایه های زندگی مردم نفوذ کرده است و هزینه های زیادی را دست آنان می گذارد. بیشتر هزینه های اضافی و استرس زا مربوط به این لایه های غیرضروری هستند که انسان خودش میسازد.